

## خطر سحر و فال بینی

### خطبه اول

الحمد لله الذي جعل التوحيد أغلي ما في الأرض والسموات وأعز أهله بالجنة ورفع الدرجات وجعلنا من أهل التوحيد وعلي سفينة النجاة والصلاة والسلام علي أفضل الخلق صاحب الكمالات وعلي آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان ذوي الفضل والتقوا والدعوة والجهاد والبطولات..  
وبعد:

برادران مسلمان! الله متعال در كلام مجيدش می فرمايد: ﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنفَقُوا اللَّهُ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (آل عمران: ۱۰۲) «ای مؤمنان! چنانکه حق ترسیدن است از الله بترسيد و نميريد مگر در حالیکه مسلمان باشيد». پس خودم و شما را به تقواي الهی و ترس حقيقي از الله متعال سفارش می کنم.  
برادران مسلمان! الله ذو الجلال می فرمايد:

﴿وَاتَّبِعُوا مَا تَنَلُوا الشَّيْطَانِ عَلَىٰ مَلِكٍ سُلَيْمَنَ ۗ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَنُ وَلَكِنَّ الشَّيْطَانَ كَفَرُوا يَعْلَمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هُنُوتَ وَمُرُوتَ وَمَا يَعْلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ ۗ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ ۗ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ ۗ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَكَرُوا بِهِ ۗ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ (البقرة: ۱۰۲)

«و از آنچه شياطين در (عهد) فرمانروايي سليمان (بر مردم) می خواندند پيروي کردند و در حالیکه سليمان (هرگز دست به سحر نيالود) و کافر نشد و وليکن شياطين کفر ورزيدند و به مردم سحر آموختند. (نيز) از آنچه بر دو فرشته «هاروت» و «ماروت» در بابل نازل شده بود (پيروي کردند). و (آن دو فرشته) به هيچ کس چيزی ياد نمی دادند و مگر اينکه (از پيش به او) می گفتند: «ما وسيله آزمائشيم و پس کافر نشو» پس از آن دو (فرشته) چيزهايی می آموختند که به وسيله آن و ميان مرد و همسرش جدایی بيفکنند و حال آنکه بدون اجازه الله متعال نمی توانند به وسيله آن به کسی زيانی برسانند. چيزی می آموختند که به آنان زيان می رسانيد و وبه آنان سودی نمی داد. و قطعاً می دانستند که هر کس خريدار آن باشد و در آخرت بهره ای نخواهد داشت. و چه زشت است آنچه خود را به آن فروختند و اگر می دانستند».

و در جای ديگر می فرمايد:

﴿إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سِحْرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى﴾ (طه: ۶۹)

«بی شك آنچه ساخته اند و تنها مکر ساحر است و وساحر هر جا رود رستگار (و موفق) نخواهد شد».

اعتقاد به توحيد و يکتاپرستی و اساس اسلام و مهم ترين اصل و پايه دين می باشد و بدون اصلاح عقیده هيچ عملی مورد قبول الله متعال قرار نمی گيرد و توحيد مدار ايمان و کفر بوده و واصل

رسالت الهی و اولین دعوت انبیاء الهی است.

یکی از بارزترین انحرافات فکری و اجتماعی در تاریخ بشر روی آوردن به سحر و ساحری بوده است تاریخ نشان می دهد که تمدنهای کهن مصر و ایران و غیره آلوده به این بیماری بوده و جامعه بشری همواره با این مشکل و معضل پیچیده دست و پنجه نرم می کرده است.

تاریخ سحر و جادوگری و رمالی می گوید: ساحر واقعی کسی است که در سحر خود از شیطان یاری می جوید و کسی که با شیطان ارتباط قوی نداشته باشد ممکن نیست در سحر به درجه نبوغ برسد.

به قول علامه ابن القیم رحمه الله «هر چه ساحر کافرتر و پلیدتر و دشمنی وی با الله و رسول و بندگان مؤمن الله شدیدتر باشد و سحرش قوی تر و نافذتر است.»<sup>(۱)</sup>

پژوهشگران در تاریخ سحر و ساحران به این نتیجه رسیده اند که برای ساحر شدن شرایط ذیل لازم و ناگزیر است.<sup>(۲)</sup>

۱- ساحر باید خود و تمام دارایی خویش را در حال حیات و مرگ به شیطان بفروشد.  
۲- دشمن تمام ادیان باشد و نسبت به آنها خشمگین بوده و آنها را مورد استهزا قرار دهد و از تمام کتابهای آسمانی تبری جوید و در سوزاندن و پاره کردن و به کارگیری آن در کارهای پست کوشا باشد.

۳- در تمام این موارد لازم است که غیر الله را مورد تعظیم قرار داده و به الله شرک بورزد و شیاطین و ستارگان و بتها و یا بشر را عبادت کند.

۴- ساحر باید مظهر کثافت و پلیدی و پستی نفس باشد و پاکیزگی و نظافت را ترک کند تا آنجا که بدن و لباس و مسکن او بوی تعفن بدهد.

۵- ساحر لازم است کارهای حرام را انجام دهد و وبه گناهایی که موجب خشم الله و رضایت شیطان است مبادرت کند.

آری برادران مسلمان! «اهل بدعت و گمراهان که از راههای غیر شرعی زهد و عبادت پیشه کرده اند و گاه مکاشفات و تاثیراتی هم دارند بیشتر به پناهگاههای شیاطین که از خواندن نماز در آنها نهی شده پناه می برند و...»<sup>(۳)</sup>

«ساحران نظافت نمی کنند و وضو نمی گیرند و همیشه همراه نجاستها و همنشین سگان است و به حمامها و زباله دانیها و مقابر پناه می برد و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرموده اند: «ملائکه به خانه ای که در آن شخص جنب و یا سگ وجود داشته باشد وارد نمی شوند.»

همچنانکه می دانید: اولین مظهر و آشکار ترین هنر کاذب ساحران ادعای علم غیب است. و همه می دانیم غیر از الله یگانه و یکتا کسی غیب نمی داند: الله متعال می فرماید:

﴿قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ (النمل: ۶۵)

(۱) التفسیر القیم و ص ۵۸۱.

(۲) محمد محمد جعفر این شرایط را به تفصیل آورده است و به کتاب او در مورد سحر مراجعه شود ص ۴۷.

(۳) غرائب و عجائب جن و ۳۹.

«بگو: کسی در آسمان‌ها و زمین غیب را نمی‌داند و مگر الله».

الله تبارک و تعالی در باره جنیان حضرت «سلیمان» علیه السلام چنین می‌فرماید: ﴿لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿١٤﴾﴾ (سبأ: ۱۴)

«اگر آنان (جنی‌ها) علم غیب داشتند در آن عذاب دردناک باقی نمی‌ماندند»<sup>(۱)</sup>.

الله متعال می‌فرماید: ﴿هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ ﴿٢٣١﴾ تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴿٢٣٢﴾ يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَذِبُونَ ﴿٢٣٣﴾﴾ (الشعراء: ۲۲۱ - ۲۲۳)

«آیا به شما خبر بدهم که شیاطین بر چه کسانی فرود می‌آیند و بر هر دروغگوی گناهکاری فرود می‌آیند و استراق سمع می‌کنند در حالی که اکثرشان دروغگویند».

پس علم غیب مخصوص الله متعال است حتی خود حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم علم به غیب نداشتند و الله متعال به ایشان می‌فرماید اعلان کن ﴿قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِن آتَيْعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ ﴿٥٠﴾﴾ (الأنعام: ۵۰)

«ای محمد! بگو: من به شما نمی‌گویم که گنج‌های الله پیش من است؛ و غیب را نمی‌دانم و نمی‌گویم که فرشته‌ام و پیروی نمی‌کنم جز از وحی که بر من نازل می‌شود».

البته شیاطین با گوش دادن به سخنان فرشتگان استراق سمع می‌کنند و آنچه که شنیده است در گوش کاهن القاء می‌کند و کاهن به همراه این خبر صحیح و صد دروغ می‌آورد و مردم به سبب این خبر صحیحی که از آسمان گرفته او را تصدیق می‌کنند و به اخبار کذب وی توجهی نمی‌کنند!

برادران مسلمان! همچنانکه ملاحظه می‌فرمایید چه بسیارند رمال‌ها و حقه‌بازهایی که بساط فریب گسترده و با نوشتن طلسم خطوط عجیب و غریب یا اشیاء جلوگیری کننده از جن و چشم بد و دفع بلا مردم را گمراه می‌کنند.

آویزان کردن طلسم و جادو و یا هر چیز دیگری از قبیل آنها با اعتقاد به این که از بلا جلوگیری می‌نماید و یا موجب خوشبختی می‌شود و یا دردی را از کسی دوا می‌نماید و مانند سحر حرام است<sup>(۳)</sup>.

در قرن بیست و یکم هنوز هستند کسانی که نعل اسب و خر مهره و گوش ماهی و صدف و ویا نخ سیاه و سفید بافته شده و غیره را به منظور رفع بلا بر سر در منزل و یا بر گردن نوزادان و کودکان خود آویزان می‌نمایند و سر گاو را در مزرعه خود نصب می‌کنند و مهره‌هایی آبی رنگ به منظور دفع چشم بد به گردن بچه‌ها و اموال خود آویزان می‌نمایند.

هنوز هم هستند کسانی که با استفاده از ناآگاهی مردم چیزهایی می‌نویسند و جدول‌هایی می‌کشند

(۱) تریبۃ الأولاد فی الاسلام و ج ۲ و ص ۳۹۸ و مؤلف عبدالله ناصح علوان با ترجمه عبدالله احمدی.

(۲) حدیث از بزار - ابوداود و امام مسلم.

(۳) تریبۃ الأولاد فی الإسلام و ج ۲ و ص ۴۰۱.

و طلسم‌هایی در آنها رسم و منقوش می‌کنند مدعی اند کسی که این طلسم را بر خود آویزان نماید یا همراه داشته باشد و از شر جن و شیاطین و چشم بد و غیره مصون (در امان) خواهد بود<sup>(۱)</sup>.

اما اسلام برای دفاع و حمایت از مردم تمام این اسباب فریب و گمراهی را و حرام قرار داده است. از حضرت ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده که پیامبر فرمودند: «مَنْ أَتَى كَاهِنًا فَصَدَّقَهُ بِمَا يَقُولُ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ ﷺ».

«هر کس که پیش کاهنی برود و آنچه را کاهن می‌گوید تصدیق کند و همانا بر آنچه بر محمد صلی الله علیه و سلم نازل شده کافر گردیده است»<sup>(۲)</sup>.

در جای دیگری می‌فرمایند: «مَنْ أَتَى عَرَافًا فَسَأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ فَصَدَّقَهُ وَ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ يَوْمًا» (روایت مسلم).

«کسی که نزد فالگیری برود (کاهن - رمال)<sup>(۳)</sup> و چیزی از او پرسد و جواب او را تصدیق و باور نماید و چهل روز نمازش قبول نمی‌شود»<sup>(۴)</sup>.

از عقبه ابن عامر رضی الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از بیعت کردن با شخصی که نوشته یا طلسمی به بازو داشت خودداری نمودند و فرمودند: «مَنْ عَلَّقَ فَقَدْ أَشْرَكَ»<sup>(۵)</sup>. «کسی طلسم ببندد شریک برای الله قائل شده است».

در جای دیگری فرمودند: «مَنْ عَلَّقَ شَيْئًا وَكَلَّ إِلَيْهِ»<sup>(۶)</sup>. «کسی که برای دفع بلا چیزی بر خود ببندد و به همان چیز سپرده می‌شود. یعنی الله به او و سرنوشت او کاری ندارد».

روایت شده است که همسر عبدالله بن مسعود - رضی الله عنه - نخی بر گردن آویزان کرده بود و چون عبدالله وارد منزل شد و آن را دید قطعه قطعه کرد و گفت: آل عبدالله از این که شرک بکنند و بی‌نیازند و بعد از آن گفت: سمعت رسول الله صلی الله علیه و سلم يقول: «إِنَّ الرُّقَى وَالتَّمَائِمَ وَالتَّوَلَةَ شُرُكًا»<sup>(۷)</sup>. «همانا افسون کردن و تعویذ بستن و طلسم آویزان کردن شرک است».

سپس به همسرش فرمود: آنچه رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده اند کافی است حضرت صلی الله علیه و سلم می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ وَ مُدْهَبَ الْبَاسِ وَ اَشْفِ اَنْتَ الشَّافِي وَ لَا شَافِيَ اِلَّا اَنْتَ شِفَاءً لَا يُغَادِرُ سَقَمًا»<sup>(۸)</sup>. «ای پروردگار عالم و ناراحتی را از بین ببر و شفا ده که تنها شفادهنده تویی و هیچ شفایی نیست جز شفای تو و شفایی ده که هیچ ناراحتی بعد از آن باقی نماند». و رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده اند: «لَا بَأْسَ بِالرُّقَى مَا لَمْ تَكُنْ شُرُكًا». یعنی «در دم کردن باکی نیست به شرطی که در آن کلمات شرکی نباشد».

(۱) حلال و حرام در اسلام و ص ۳۰۱.

(۲) کتاب التوحید و ص ۸۴ و ۸۵.

(۳) رمال: جمع رمل نام علمی که به عقیده برخی از مردم به وسیله آن می‌توان پیشگویی و طالع کسی را به دست آورد و ونام آلتی که با آن فال می‌گیرند و پیشگویی می‌کنند - فرهنگ عمید.

(۴) حلال و حرام در اسلام و ص ۲۹۷.

(۵) حاکم و احمد.

(۶) احمد و ابن ماجه و ابن حبان و ترمذی.

(۷) روایت احمد و ابوداود و بیهقی و حاکم آن را صحیح دانسته و ذهبی صحت آن را تأیید کرده است.

(۸) روایت ابن ماجه و ابن حبان و الحاکم.

از حضرت عایشه صدیقه رضی الله عنها روایت شده است که چون کسی از آل بیت رسول الله صلی الله علیه وسلم مریض می شد به معوذات او را دم می کرد و در مرضی که در آن فوت کردند و پس من او را دم می کردم و به دست خودش جسدش (اندامش) را مسح می نمودم و زیرا دست ایشان از دست من بابرکت تر بود<sup>(۱)</sup>.

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: چون کسی از شما مبتلا بدرد شود و پس در جای درد دست خود را بگذارید سپس هفت بار بگوید: «أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ»<sup>(۲)</sup>.

بنابراین و معوذتین و آیه الکرسی و آیاتی که متعلق به حضرت موسی علیه السلام و ساحران فرعون می باشند و همچنان دو آیه در آخر سوره بقره بهترین علاج برای دفع سحر و غیره می باشند و آیه های قرآن کریم برای مؤمن متوکل بر الله علاج و شفاء می باشند<sup>(۳)</sup>.

بارک الله لي ولكم في القرآن العظيم ونفعني وإياكم بما فيه من الآيات والذکر الحکیم ونفعنا بهدي سید المرسلین وقوله القويم أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم ولسائر المسلمين والحمد لله رب العالمین.

## خطبه دوم

الحمد لله حمدا كثيرا طيبا مباركا فيه و كما يحب ربنا ويرضى و وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمدا عبده ورسوله و وعلى آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

الله متعال فرموده است: ﴿وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَاهُو شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ (الإسراء: ۸۲)

«و از قرآن آنچه برای مؤمنان شفا بخش و رحمت است نازل می کنیم»<sup>(۴)</sup>.

اگر دعایی که نوشته می شود به زبان عربی و مفهوم آن آشکار و روشن باشد شامل دعاهاى منتخب از نبی اکرم صلی الله علیه وسلم یا هر آنچه در سنت صحیح در ارتباط با اهمیت قرائت آیات قرآنی و تعدادی از سوره های مانند معوذتین باشد و از نظر بعضی از فقها اشکالی ندارد.

«رقی»<sup>(۵)</sup> از نظر ایشان همین حکم را دارد. رُقَى عبارت از قرائت سوره فاتحه یا معوذتین بر مریض یا فرد گزیده شده با چیزی یا دیوانه است همراه مالیدن دست و دمیدن بر او.

امام نووی و «حافظ بن حجر» بر مشروعیت «رقی» با شرایط ذیل اتفاق نظر دارند:

۱- کلام نوشته شده باید حاوی کلام الله تعالی یا اسماء و صفات او تعالی باشد.

۲- به زبان عربی باشد و یا به شیوه ایی که فهم معنای آن و تمایز آن ممکن باشد.

۳- این اعتقاد وجود داشته باشد که رقیه ذاتا مؤثر نیست و بلکه شفا به وسیله الله سبحان است.

از جمله دعاهاى حفظ و مراقبت که نبی اکرم صلی الله علیه وسلم به ما یاد داده است در ارتباط با کودکان است که در روایت بخاری از ابن عباس رضی الله عنهما آمده است که رسول الله

(۱) صحیح مسلم شماره ۲۱۹۲.

(۲) احمد در مستند و ترمذی شماره (۳۵۸۸).

(۳) عقائد اسلامی از دیدگاه قرآن و سنت و ص ۱۲۱.

(۴) ترجمه آیه از خرمشاهی.

(۵) رقی یعنی نوشتن چیزی بر روی کاغذ - رقیه وعلیه: به نفع یا به ضرر او دعا که برایش تعویذ یا طلسم بنویسد. المنجد محمد بندر ریگی.

صلی الله علیه وسلم دعای حفظ و مراقبت را به «حسن و حسین» می خواند و می فرمود: «اعینکمما بکلمات الله التامة و من کل شیطان وهامة و من کل عین لامة.»  
 «شما را به الله می سپارم به وسیله کلام کامل و تام او از شر هر شیطان و حشره گزنده و هر چشم بد»<sup>(۱)</sup>.

از این رو صحابه و تابعین به شدت منکر این تعویذات و طلسم ها بودند و تا آنجا که خدیجه مردی را دید که ریسمانی از این نوع بر گردن خود آویخته بود و این آیه را قرائت کرد: ﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾ (یوسف: ۱۰۶)  
 «و بیشترشان به الله ایمان نمی آورند جز این که با او چیزی را شریک می گیرند».

و از سعید بن جبیر رضی الله عنه روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «مَنْ قَطَعَ تَمِيمَةً مِنَ الْإِنْسَانِ كَانَ كَعَدْلِ رَقَبَةٍ». «هر کس خرمهره ای را از گردن فردی جدا کند و گویا یک بنده را آزاد کرده است».

بنابراین و صحیح آن است که طلسم ها به طور کلی ممنوع باشند و چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در مقام نفرین به دارندگان طلسم ها می فرماید: «مَنْ عَلَّقَ تَمِيمَةً فَلَا أَمَّ لِلَّهِ لَهُ وَمَنْ عَلَّقَ وَدَعَةً فَلَا وَدَعَ اللَّهُ لَهُ»<sup>(۲)</sup>. «کسی که طلسم یا بازوبندی به خود بیاویزد و الله کار او را تمام نکند و هر که خرمهره یا نظرقربانی جهت رفع چشم زخم به گردن آویزد و به مقصود خود نرسد».

چنانچه کسی به بیماری و یا ناراحتی دیگر دچار گردید چاره ای جز بردن ایشان نزد پزشک وجود ندارد و زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم که درود الله متعال بر او باد می فرماید: «تَدَاوُوا عِبَادَ اللَّهِ وَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَضَعْ دَاءً إِلَّا وَضَعَ لَهُ دَوَاءً»<sup>(۳)</sup>. «بندگان الله امراض خود را مداوا کنید و زیرا الله مرضی پدید نیاورده و جز آن که دوایی برای آن قرار داده است».

بنا به نقل صحیح بخاری: پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: «إِنَّمَا الشِّفَاءُ فِي ثَلَاثَةٍ: مَشْرِيبَةٌ عَسَلٍ أَوْ شَرْطَةٌ مَحْجَمٍ أَوْ كِي بِنَارٍ»<sup>(۴)</sup>. «شفای بیمار در سه چیز است:

۱- خوردن عسل.

۲- نیشترزدن و حجامت<sup>(۵)</sup>.

۳- داغ کردن و سوزاندن محل درد».

این نوع مداوا شامل معالجاتی می گردد که در عصر ما از طریق خوردن دارو یا عمل جراحی و یا سوزاندن به وسیله برق و... انجام می شود. بنابراین و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شفای بیماران را در تائم و قرائت افسون و اوراد نامشروع و امثال آن قرار نداده است و بلکه درمان و معالجه را از همان راه طبیعی علوم پزشکی مقرر فرموده اند که یا از طریق دهان با خوردن دارو و امثال آن و یا

(۱) تریبۃ الأولاد فی الإسلام و ج ۲ و ص ۴۰۱ و ۴۰۲.

(۲) روایت احمد.

(۳) امام احمد و اصحاب سنن و ابن حبان و حاکم و ترمذی گفته است: حسن و صحیح است.

(۴) روایت بخاری.

(۵) حجامت یعنی خون گرفتن از بدن و بادکش کردن و خون گرفتن از بدن یا تیغ زدن و مکیدن - فرهنگ امید و حجامت: رگ زدن و خون گرفتن از بدن به خاطر درمان - المنجد و محمد بندر ریگی.

تزریق دارو و به وسیله آمپول به سایر قسمت‌های بدن است. نیشترزدن و حجامت نیز امروزه شامل انواع عمل جراحی می‌گردد و همچنین سوزاندن و داغ کردن امروزه به معنای زیر برق گذاشتن و امثال آن می‌باشد.

اینها همه درمان‌هایی است که اسلام بدان قائل است و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بدان دستور داده و در مداوای خود نیز از آنها استفاده کرده است. چنانچه آن حضرت در مواردی به حجامت پرداخته و به پزشک مراجعه نموده و واصحاب و امتش را به معالجه و مداوا دستور فرموده است. پس شایسته است که ما نیز تابع سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم باشیم و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم چنین می‌فرماید: «لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ». «هر دردی و درمانی دارد»<sup>(۱)</sup> <sup>(۲)</sup>.

﴿ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴾

(الأحزاب: ۵۶)

«اللهم صل على محمد وعلى آل محمد كما صليت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد . اللهم بارك على محمد وعلى آل محمد كما باركت على إبراهيم وعلى آل إبراهيم إنك حميد مجيد .» اللهم صل على محمد وأزواجه وذريته كما صليت على آل إبراهيم وبارك على محمد وأزواجه وذريته كما باركت على آل إبراهيم إنك حميد مجيد .  
عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و ينهى عن الفحشاء والمنكر والبغى و يعظكم لعلكم تذكرون.

(۱) فقه السنه و به روایت مسلم از جابر و مؤلف دکتر سید سابق.

(۲) دیدگاه‌های فقهی معاصر و ج ۱ و ص ۲۶۴.